



کانون ترجمه اروپا

نقل از مجله دوپچلند شماره ۱۵ اکتبر ۱۹۹۸

ترجمه‌ی محمدعلی مختاری

کانون ترجمه اروپا قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز ترجمه ادبیات تخیلی و غیرتخیلی است. در استرلن (Straelen) هم خانه هست و هم گلخانه - خانه برای ۱۵۰۰۰ سکنه و گلخانه برای ۵۰۰۰۰۰ تن گوجه‌فرنگی و ۳۵۰ میلیون شاخه گل که هر سال در این شهر کوچک غرب آلمان در کناره‌ی رود راین سفلی به عمل می‌آید و به فروش می‌رسد. ساختمان دیگری دور از مزارع وسیع اطراف استرلن و در سایه‌سار کلیسای عظیم کاتولیک در میدان مرکزی قرار دارد که در آن گشتگرهای دیگری مشغول کارند یعنی مترجمان که ادبیات جهان را از زمینه‌های بسیار گوناگون فرهنگی در دسترس خوانندگان قرار می‌دهند و خودشان از توجه کافی محرومند.

معرفی‌کنندگان کتاب معمولاً حتی از ذکر نام مترجم خودداری می‌کنند. چه تعداد خواننده توجه دارند که کتابی را که از آن این قدر لذت می‌برند، فی الواقع ترجمه است؟ از کانون ترجمه اروپا در مورد بی‌اعتنایی به مترجمان کار چندانی برنمی‌آید. اما می‌تواند حداقل برای این باغبانان که کتابی را از زبانی به زبان دیگر پیوند می‌زنند چند هفته صلح و آرامش فراهم آورد آن هم در محیطی که بهترین شرایط را برای رشد آثارشان ایجاد می‌کند و آن‌ها را از سرمای روز مرگی می‌رهاند.

زمستان و تابستان مترجمان که حق‌التراجمه کافی از ناشران دریافت نمی‌دارند به صورت مجانی در ۳۰ اتاق این قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین مرکز مترجمان ادبیات تخیلی و غیرتخیلی زندگی می‌کنند. آن‌طور که سرکتابدار پرمشغله آن جا رجینا پیترز (Regina Peeters) اظهار می‌دارد قسمت

عمده‌ی بودجه آن‌جا را ایالت وستفالی راین شمالی تأمین می‌کند که سالانه ۴۱۰۰۰۰ مارک است و بودجه بخور و نمیری است هنوز بودجه‌ای در کار نیست که ساختمان دیگری برای سمینارها و جلسات آموزشی اجاره کرد. از این‌رو آینده این مؤسسه منحصر به فرد که بیست سال پیش توسط المار تاپهون (Elmar Tophoven) مترجم آثار بکت برای ارتقاء کیفیت ترجمه، معرفی ادبیات خارجی و تشویق مبادلات فرهنگی بین‌المللی در موطنش تأسیس شد، بیمه نیست. همچنین در این‌جا امکان تماس بین مترجمان فراهم است. بیست سال پیش سهم مترجمان تنهایی دوندۀ دو استقامت بود همان‌طور که راه خود را در متون در تنهایی مطلق طی می‌کردند و کتابخانه‌ها را در جستجوی واژه نامه‌هایی که اغلب وجود نداشت می‌کاویدند. در استرلن تنها کافیتس که از پشت میز خود در سالن اصلی بلند شوند و بروند به کتابخانه که راهروهای متعدد آن ۱۰۰۰۰۰ جلد کتاب را در خود جای داده‌اند از جمله ۲۰۰۰۰ کتاب مرجع به ۲۷۰ زبان و ۵۵۰۰۰ آثار ادبی به زبان اصلی. کتابخانه، گنجینه مرکزی است و لزومی ندارد نگران ساعات کار کتابخانه بود. این امکان برای اینگ لپولد (Inge Leipold) مونیخی بسیار مناسب است چون او ترجیح می‌دهد در شب تنها با متن خود در زیر چتر تاریکی کار کند. دیگر مترجمان از وسعت شگفت‌آور کتاب‌ها در این‌جا با شور و هیجان سخن می‌گویند و از چیزهای باورنکردنی که توی قفسه‌ها پیدا می‌شود نظیر انجیل رمزی الکلی‌ها یا واژه‌نامه همجنس‌بازان یا فرهنگ تولیدات و کالاها کمتر مترجمی می‌داند که منظور از شیشه درون "bottle of obsession" شیشه‌ی عطر است و نه شیشه عرق. کریستا شوئنگ (Christa Schuenke) برلینی که در نوامبر گذشته برنده جایزه ویلند (Wieland) برگردان غزلیات شکسپیر شد - ترجمه‌ای که اتفاقاً در استرلن به اتمام رسیده است - نام صحیح آلمانی China aster را در کتابی متعلق به قرن نوزده تحت عنوان اسم گیاهان کشف کرد. این گیاه در کتاب (Confidana man) هرمان ملویل نویسنده مویی دیک آمده است. بیست سال پیش کریستا شوئنگ آن را به Sommeraster آلمانی ترجمه کرد. حالا که ویرایش دیگری از ترجمه در دست انتشار است این فرصت طلایی را به دست آورده است که یکی از اشتباهات دوران جوانی خود را تصحیح کند و به جای آن Schoxkranz بگذارد که به‌رحال همیشه به نظرش کمی زبان‌بازانه می‌رسید. این اسم همچنین خوش‌تر در زمینه کتاب می‌نشیند که مربوط به دستکش روزی موسوم به Knaben Kravt است. کریستا شوئنگ می‌گوید «کتابخانه مرکزی معرکه است» و با پکی به سیگارش می‌افزاید «در این‌جا با افرادی برخورد می‌کنی که مثل خودت دیوانه هستند و قرن‌ها وقت خود را صرف یافتن یک لغت خاص می‌کنند.» مترجمان

اغلب به همدیگر در یافتن لغت درست کمک می کنند گرچه هرکسی باید اثر خود را به استرلن بیاورد و یکی از شرایط اقامت در این جا این است که مترجم باید اثری از خودش چاپ کرده باشد.

برن هاردروبین (Berahoud Robben) که (Whisperers Horse) نیکولا ایوانز را به آلمانی ترجمه کرده است به خاطر می آورد که یک بار چند مترجم در آشپزخانه مشترک مرکز شور کردند و توانستند به همکار سوئدی خود که بعضی از اشعار دورس گروبین (Durs Grubein) را ترجمه می کرد، کمک کنند. او توضیح می دهد که این شاعر جوان آلمانی برنده جایزه، برای آلمانی زبان ها قابل درک نیست.

وقتی همه کلمات با موفقیت پیدا شد و دست نوشته به پایان رسید مترجمان جشن می گیرند و در آشپزخانه سیگار بیشتری دود می کنند و به یاد دارالحکمه در بغداد در قرن نهم می افتند که در آن جا کتب از یونانی به فارسی ترجمه می شد. هر پنجشنبه خلیفه سری به دارالحکمه می زد تا در ابری از عود و عنبر ترجمه ها را برای او بخوانند.

یکی دیگر از نمونه های قدیمی کانون، مدرسه تربیت مترجم است که در قرن دوازده تا چهارده میلادی در (Toledo) نضج گرفت. در این جا مترجمان سراسر اروپا متون عربی را به لاتین و اسپانیولی ترجمه می کردند. در استرلن که در دهکده مرزی بین آلمان و هلند واقع شده بود، هر سال ۷۵۰ مترجم از جمله ۱۵۰ نفر از بورس بگیران کانون مهمان کانون هستند که تنها از اروپا نیستند بلکه از سراسر دنیا می آیند از دانمارک، از آمریکا، از استرالیا و از زئیر. اما امسال بیشتر از آلمان و اروپای شرقی بوده اند که از آرامش خلاصه و جو جدی آن برخوردار شده اند. آن جا راندمان کار آن ها دو برابر می شود. به همین خاطر است که برن هاودرونی سالی چند نوبت به این جا پناه می آورد. گرچه در دهکده ۳۴۲ نفر براندنلورگ (Brandenborg) که به عنوان شهردار افتخاری آن جا انتخاب شد از خلوت دیرآسایی برخوردار است کمتر وقت ترجمه برای او می ماند و برن به آشپزخانه نمی رود آن جا که نیمه شب ها الا ونجراوی Ella Vengerora روسی اغلب گیتار می زند. از آشپزی خوشش نمی آید - برخلاف بسیاری از مترجمان دیگر که به اتفاق یک کتاب آشپزی تألیف کرده اند. این کتاب علاوه بر داشتن دستور آشپزی از سی کشور جهان راهنمایی هایی می کند برای کسانی که بخواهند در استرلن آشپزی کنند مثلاً برای تهیه گرتای گوشت گاو سرخ کرده توصیه می کند به قصابی شرر Schreurs بروند در خیابان Kuhstrasse و غذای تخم مرغ هلندی به تخم مرغ های کوچک از بازار استرلن نیاز دارد که روزهای سه شنبه می فروشند. این گفتمان جهان وقتی که در پشت میز و در سر دیگ غذا انجام می گیرد در ظرف سال ها بسیار پربار بوده است. در استرلن صدها ترجمه به عمل آمده است.

